



ماجرای ادعای تابعیت آمریکایی ابراهیم یزدی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی در هفتمین سالگرد درگذشت دکتر یزدی (۶ شهریور ۱۳۹۶) ماجرای گذرنامه آمریکایی عضو شورای انقلاب را مرور کرد که اول در یک روزنامه آمریکایی منتشر شد و در ایران جنجال به پا کرد. ۲۰ آبان ۱۳۶۰، روزنامه صبح آزادگان با تیتیر درشت در صفحه اول خود به نقل از رادیو صدای آمریکا خبر تابعیت آمریکایی ابراهیم یزدی را منتشر کرد. مقامات رسمی دولت ایالات متحده درصدد ممانعت از انتشار علنی اوراقی مربوط به ابراهیم یزدی برآمدند. با این احتمال که انتشار آن‌ها ممکن است خطر جانی برای او در ایران به وجود آورد.

▼ نامه به هاشمی

یزدی که نماینده تهران در مجلس اول بود در نامه‌ای به حجت‌الاسلام اکبر هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجلس، هدف از این خبرسازی منابع آمریکایی را این طور ارزیابی کرد: «واضح است که مقامات آمریکایی و مطبوعات صهیونیستی خواسته‌اند با این اقدام و جنجال تبلیغاتی با یک تیر چند نشان بزنند. از یک طرف انقلاب اسلامی ما را مشکوک و اصالت آن را مورد سوال قرار دهند و از طرف دیگر به موج تبلیغاتی اخیر که علیه جمهوری اسلامی ایجاد کرده‌اند دامن بزنند و وضع ایران را آنچنان آشفته نشان بدهند که گویا انتشار یک خبر می‌تواند عاملی برای تهدید جانی حتی برای نماینده مجلس شود و ضمناً با دان خط به عوامل خود در ایران هیاهوی تازه‌ای علیه اینجانب برآید.» او از هاشمی در خواست کرد که از طریق وزارت امور خارجه خواهان انتشار کامل اوراق مورد بحث خبرهای فوق‌الذکر شود تا هر طور که صلاح می‌دانند.

▼ نامه به خاتمی

یک هفته بعد از ارسال این نامه، روزنامه کیهان در صفحه اول شماره پنجمین ۲۸ آبان تیتیری با عنوان «ادعای واشنگتن پست درباره تابعیت آمریکایی دکتر یزدی» منتشر کرد و در زیر تیتر خبر خود آورد: «دکتر یزدی: هیچ‌گونه اعتراضی به افشای اسناد وزارت خارجه آمریکا در مورد به اصطلاح تابعیت این کشور ندارم. / واشنگتن پست: اسناد و مدارکی در مورد تابعیت دکتر یزدی در وزارت خارجه آمریکا در دست است.» یزدی در نامه‌ای به محمد خاتمی، نماینده ولی فقیه در این روزنامه گلایه کرد: «بعد از سلام خبر روزنامه کیهان در پنجشنبه گذشته دروغ و بی‌اساس بود. اینجانب با هیچ خبرنگاری در کیهان یا جای دیگر مصاحبه‌ای نکرده بودم و اسنادی را هم که ندیده‌ام و نمی‌دانم چیست نمی‌توانم بگویم ساختگی هستند یا خیر. بهتر بود کیهان عین نامه اینجانب را به رئیس مجلس منتشر می‌ساخت.»

روزنامه کیهان دوشنبه ۲ آذر ماه نامه یزدی را منتشر و چنین خبری را نیز منتشر کرد: «در پی درگیری‌های یک نشریه آمریکایی و وزارت امور خارجه این کشور در مورد انتشار یا عدم انتشار اسناد تابعیت دکتر ابراهیم یزدی، وی در گفت‌وگویی اعلام داشت که هیچ‌گونه اعتراضی به انتشار و افشای اسناد وزارت خارجه در مورد به اصطلاح تابعیت آمریکایی خود ندارد.»

▼ توضیحات مبسوط درباره یک خبر

یزدی ناچار شد در توضیحاتی مبسوط ماجرای گذرنامه آمریکایی را روایت کند و به مقررات آمریکا اشاره کرد: «برای متخصصین خارجی و پزشکان اجازه اقامت دائم اجباری است و هیچ طبیب خارجی نمی‌تواند در آمریکا حتی کارآموزی پزشکی خود را شروع کند، مگر آنکه ویزای دائم داشته باشد. اینجانب در شهریور سال ۱۳۳۹، برای دوره کوتاهی به آمریکا سفر کردم و به کار تحقیقات علمی پرداختم. پس از موفقیت بزرگ علمی از طرف دانشگاهی که من در آنجا مشغول تحقیق و تدریس بودم، درخواست شد به کار برای مدت بیشتری ادامه بدهم و خود دانشگاه برای اجازه کار و اقامت دائم بر اساس صلاحیت علمی اقدام و موافقت اداره مهاجرت را کسب نمود... او افزود: «تحت چنین شرایطی تهیه گذرنامه آمریکایی تنها راهی بود که در برابر ما قرار داشت و مقررات قانونی آمریکا این امکان را به ما می‌داد. به این معنا که هر تبعه خارجی که اجازه اقامت دائم و کار در آمریکا داشته باشد و حداقل به مدت ۳۶ ماه به طور مستمر در آنجا اقامت نموده باشد می‌تواند درخواست تابعیت و صدور گذرنامه بنماید. به این ترتیب از امکانات و مقررات قانونی استفاده شد و گذرنامه آمریکایی برای انجام سفرهایی که جهت ادامه مبارزات ضروری به نظر می‌رسیدند، اقدام گردید.»

منادی وفاق ملی

گفتارهایی درباره اندیشه سیاسی ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران در سالگرد درگذشت او

گروه سیاست: نکوداشت هفتمین سالگرد

درگذشت دکتر ابراهیم یزدی، فعال و مبارز سیاسی، در کلاب هاوس گفت‌وگوهای ملی برگزار شد. در این مراسم محمدحسین بنی‌اسدی، دبیرکل حزب نهضت آزادی، الهه کولایی، محقق، نویسنده و استاد علوم سیاسی و مهدی معتمدی مهر، تحلیلگر سیاسی سخنرانی کردند. «وفاق ملی-امنیت ملی» عنوان این مراسم بود؛ عنوانی که ابراهیم یزدی در زمان حیات خود تلاش کرد تا آن را تبیین کند. مجله «وفاق ملی» عنوان مجله‌ای بود که یزدی در سال ۱۳۸۱ نسبت به انتشار آن مبادرت کرد. در ادامه این گزارش، بخشی از گفتارهای مطرح شده در سالگرد دکتر ابراهیم یزدی را می‌خوانید.

نگاه حزب ۱

دگرستیز و مطلق‌گرا هستند.

دومین نگرش، مربوط به آنهاست که از وفاق به عنوان یک تاکتیک و ابزار استفاده می‌کنند؛ گروه محافظه‌کاری هستند که از وضع موجود راضی و بهره‌مند از آن هستند؛ صاحب‌رانت و رفاه هستند و مایل به تغییر وضع موجود نیستند و در شرایط عادی حاضر به گفت‌وگو و وفاق نیستند؛ چون بر اساس گفت‌وگویی که در راستای وفاق صورت می‌گیرد، خیلی از امکاناتشان را ناگزیر از دست می‌دهند. همین گروه تحت فشار شدید داخل یا خارج (که از خارج جنگ، از داخل بحران و شورش و یا بحران‌های اقتصادی شدید است) حاضر به پذیرش موضوع وفاق می‌شوند. چنانچه وفاق ملی را راه بر طرفت از تنگناها می‌دانند اما با خروج از بحران احتمالاً وفاق مطرح شده پایدار نمی‌ماند و مجموعه به عملکرد سابقش باز می‌گردد.

نگرش سوم، نگرش اصلاح‌طلبانه به‌ویژه از نوع اصلاحات جامعه‌محورانه است. در این نوع نگرش، وفاق مدنظر از نوع استراتژیکی و راهبردی است و الزاماً به عنوان ابزار به آن نگاه نمی‌کنند بلکه به عنوان هدف هم به آن توجه دارد و فی‌النتیجه برایش ارزش قائل است. چون در محیطی که وفاق وجود دارد با افراد بهتر می‌توانید راندمان و کارایی بیشتری داشته باشید. این گروه اصلاح‌طلب موضوع اختلاف را در جامعه انسانی بین سازمان‌ها و کشورها موضوعی طبیعی می‌دانند و موضوع مهمش آن است که چگونه با اختلاف برخورد شود. بر خورد این گروه غیرحذقی و مبتنی بر مسالمت و خشونت‌پرهیز و دموکراتیک است. مبنای کارشان گفت‌وگو، مذاکره و تعامل و وفاداری به قانون و رعایت اخلاق است. اینها هیچ ابایی ندارند که با محافظه‌کاران چه خرگدا و چه غیر خرگدا، اصولگرا، سکولار، ملی‌گرایان و دولت برای مردم و افزایش وفاق ملی و در راستای منافع ملی بحث و گفت‌وگو کنند. البته این نگرش درباره اصلاحات جامعه‌محور بیش از اصلاحات قدرت‌محور است.

نگرش چهارم، این نگرشی است که به وفاق بالاتر از استراتژی نگاه می‌کند

نگاه حزب ۲

حذف شدند. اساس اصلاحات جامعه‌محور همین است که اگر نتوانستیم به حکومت وارد شویم مبتلا به تعلیق سیاست‌ورزی نشویم. این نوع اصلاحات به این نکته توجه داشته که چگونه در چنین شرایطی اثرگذاری دموکراتیک داشته باشیم. اینکه محور وفاق ملی چیست یک نکته است و اینکه چگونه محورها را تعیین کنیم نکته دیگر، ما نمی‌توانیم بگویم محور وفاق ملی در شرایط فعلی چیست اما شاید یکی از مهمترین محورهای وفاق ملی «چگونگی امکان تحقق حقوق اساسی حاکمیت ملت از طریق احیای قانون اساسی و بازگشت به پیش‌نویس قانون اساسی آن است» البته محورهای وفاق در یک جلسه مختصر و فقط از سوی یک حزب و نهاد یا فقط دولت نمی‌تواند مطرح شود. دکتر یزدی در دیداری که با آقای کروبی در سال ۸۱ داشت درباره ابعاد وفاق گفته است: «وفاق باید عملی شود و ما ابایی نداریم که با محافظه‌کاران اکثریت و اقلیت و مستقل‌ها مذاکره کنیم. ما آماده‌ایم که ببینیم چه کار می‌توانیم بکنیم.» به عبارتی دکتر یزدی از آقای کروبی به عنوان رئیس قوه مقننه می‌خواهد که در این وفاق مشارکت کند و نگردد به نتیجه نمی‌رسد.

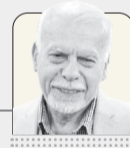
امروزه چون ابعاد نفاق و واگرایی‌های اجتماعی خیلی زیاد شده است بنابراین موضوع گفت‌وگو با بخش‌ها و گروه‌های مختلف به‌ویژه زنان به دلیل آنکه نیمی از جمعیت هستند، باید انجام گیرد. آقای دکتر یزدی در همین دیدار تأکید می‌کند که «وفاق ملی به معنی همه با من نیست... وفاق برای گذار به دموکراسی و حرکت به توسعه ملی پایدار است... بر اساس این نگاه وفاق ملی برای تحقق مطالبات مشترک ملی اما در چارچوب قانون اساسی رسمی است.

البته معیار وفاق بستگی به راهبرد ما دارد. وفاق در راهبرد براندازانه با وفاق در راهبرد اصلاح‌طلبانه متفاوت است. در پارادایم اصلاح‌طلبانه تعهد و التزام به قانون

دکتر یزدی، نهضت آزادی ایران، نشریه وفاق ملی را تنظیم و منتشر کرد، در همان زمان تلاش شد این موضوع به مقامات کشور برسد و از آنها به دلیل آنکه نیاز به وفاق ملی بر اساس اسناد سیاسی موجود، شدیداً احساس می‌شد، استمداد شود؛ که مسئولان از کنار آن رد شدند اما این بار این موضوع از سوی دولت مطرح شده و یک فرصت مناسب است که از آن استفاده شود. «وفاق» در لغت به معنای یکدلی و سازگاری... است و در مقابل مفهوم «نفاق» قرار گرفته است؛ البته در قرآن در برابر مفهوم «شفاق» در سوره نساء قرار گرفته است. کلمات هم‌نشین با آن هم گفت‌وگو، مسالمت، دوری از خشونت، دموکراسی و دگرپذیری و... است. وفاق ملی هم به این معناست که نه تنها بین بخش‌های مختلف دولت یا قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه وفاق باشد؛ باید بین آنها و مردم، جامعه مدنی، احزاب و حکومت هم وفاق صورت بگیرد، روش‌های رسیدن به وفاق هم گفت‌وگو، تعامل و دوری از خشونت و البته تبعیت از یکسری قوانین رفع اختلاف و دموکراسی است. مهمتر از روش‌های رفع اختلاف و گفت‌وگو موضوع انگیزه‌هاست؛ در همان نشریه منتشر شده در سال ۱۳۸۱، ما چند نگرش را نسبت به وفاق مطرح کردیم؛ که بسیار مهم است.

اولین نگرش، نگرش ضدوفاقی یا نگرش انحصارطلبانه است. گروه‌های قدرت‌طلب و برانداز به هیچ وجه از وفاق خوششان نمی‌آید؛ یعنی چپ افراطی و راست افراطی با آن میانه ندارند؛ چون وفاق بازار آنها را کساد می‌کند. هر دوی این جریان‌ها مخالف مذاکره و مفاهمه و تفاهم هستند و روش‌شان حذفی است و

دکتر یزدی و تلاش برای ایجاد وفاق ملی



محمدحسین بنی‌اسدی
دبیرکل نهضت آزادی ایران

«وفاق ملی» به‌طور رسمی از سال ۱۳۸۱ در دستور کار نهضت آزادی ایران بوده است. البته در تمام دوران و عمر نهضت، وفاق ملی اصل اساسی آن بوده و هست. با شناخت شرایط فعلی که در آن وفاق ملی مطرح شده است؛ می‌توانیم در پییم که چگونه از این فرصت باید استفاده کنیم. انتخابات ریاست جمهوری زودرس پس از آن بود که مردم در انتخابات مجلس دوازدهم مشارکت کمی داشتند. این مشارکت کم موجب شد که در سیاست یکدست‌سازی و خالص‌سازی یا به صورت تاکتیکی یا استراتژیک تجدیدنظری صورت بگیرد و آقای پزشکیان تأیید صلاحیت بشوند و در کنار پنج نفری که به دنبال حفظ وضع موجود یا تشدید وضع موجود بودند، اضافه‌شود تا یک درجه متفاوتی باز شود و احتمالاً موفقیت در انتخابات کسب کند که همین‌طور هم شد. آقای دکتر پزشکیان در نطق خود در مجلس به صراحت گفت که «دولت من، دولت وفاق ملی است» و پس از آن هم بر «وفاق ملی» تأکید داشتند. این جای خوشبختی است. چنانچه وقتی در سال ۱۳۸۱ با پیشنهاد آقای



مهدی معتمدی مهر
عضو دفتر سیاسی
نهضت آزادی ایران

دکتر یزدی دارای ویژگی‌های اخلاقی مهمی بود و بر اساس خلقیاتی که داشت، باید گفت که این برنامه صرفاً بزرگداشت یک فرد نیست بلکه فرصتی برای طرح مسائل بنیادین ملی و گرامیداشت یک روش و یک منش است. حال در اینجا من به این موضوع می‌پردازم که ایشان در بحث وفاق چه نگاهی داشتند. ایشان در فهم و تعریف وفاق ملی مطرح می‌کند: «وفاق ملی از دو جهت باید بررسی شود؛ اول از ریشه لغوی آن یعنی وفاق در برابر نفاق است و دوم؛ جامعه‌شناسی سیاسی، در عرصه جامعه‌شناسی سیاسی وفاق یک توافق کلان است. بعضاً وفاق ملی را مترادف آشتی ملی به کار می‌برند اما این دو با هم متفاوت است. آن چیزی که ما در ایران به‌عنوان